



Alignment of Police Stories with the Society

Yousef Karami Chame

*Assistant Professor of
Language and Literature,
Amin University of Police
Sciences, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)
ykaramicheme@yahoo.com

Meysam Ahmadi

Assistant Professor of
Language and Literature,
Amin University of Police
Sciences, Tehran, Iran.
meisam_ahmadi_61@yahoo.com

Received: 2023/01/08

Accepted: 2023/02/09

DOI:

10.22034/jpcs.2023.1272114.1187



ABSTRACT

Police stories are extracted from the heart of the society. Police stories are extracted from the heart of society. Considering the social context of the police story, in this research which was conducted using library sources and descriptive-analytical method, an attempt has been made to examine the mutual relationship between police stories and society. Police stories are among the most popular literary works and it is important to study their relationship with society from the point of view of cultural studies of literature. The most important innovation and finding of this research is the explanation of the uses of police stories in society. These results emphasize the fact that writing and publishing police stories and using the audience's interest in this type of literature is a factor that can help the police in establishing public order and security. The reason is that during these stories, the audience is assured of the power of the police and detectives and criminal investigators and feels safe. Also, his awareness of the tricks and methods of crime and the ways to avoid facing and being in such situations increases over time.

Keywords: Security, Crime, Police Story, Sociology of Literature.

► **Citation (Vancouver):** Karami Chame Y, Ahmadi M. Alignment of Police Stories with the Society". *Police Cultural Studies*, 2023; 10(1): 57-64.

► **Citation (APA):** Karami Chame, Y., Ahmadi, M. (2023). Alignment of Police Stories with the Society". *Police Cultural Studies*, 10(1), 57-64.

تطابق داستان‌های پلیسی با جامعه

چکیده

داستان‌های پلیسی از بطن جامعه استخراج می‌شوند. با توجه به زمینه اجتماعی داستان پلیسی، در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی کوشش شده است تا نسبت داستان‌های پلیسی و جامعه بررسی شود. داستان‌های پلیسی جزو پرمخاطب‌ترین آثار ادبی به‌شمار می‌روند و بررسی ارتباط آن‌ها با جامعه از منظر مطالعات فرهنگی ادبیات حائز اهمیت است. بیان کاربردهای داستان‌های پلیسی در جامعه، مهم‌ترین نوآوری و یافته این پژوهش است. این نتایج بر این نکته تأکید می‌کنند که نگارش و انتشار داستان‌های پلیسی و استفاده از شور و علاقه مخاطبان به این گونه ادبی، عاملی است که می‌تواند به پلیس در برقراری نظم و امنیت عمومی کمک کند، زیرا در خلال این داستان‌ها، مخاطب هم از قدرت پلیس و کارآگاهان و بازپرس‌های جنایی اطمینان می‌یابد و احساس امنیت می‌کند و هم آگاهی او از شگردها و شیوه‌های جرم و جنایت و راه‌های پرهیز از روبه‌رو شدن و قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی بیشتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امنیت، جرم، داستان پلیسی، جامعه‌شناسی ادبیات.

یوسف کرمی چمه

* استادیار زبان و ادبیات، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

ykaramicheme@yahoo.com

میثم احمدی

استادیار زبان و ادبیات، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
meisam_ahmadi_61@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۵۷-۶۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/jpcs.2023.1272114.1187

◀ استناد (ونکوور): کرمی چمه ی، احمدی م. تطابق داستان‌های پلیسی با جامعه. مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۴۰۲؛ ۱۰(۱): ۵۷-۶۴.

◀ استناد (APA): کرمی چمه ی، احمدی م. (۱۴۰۲). تطابق داستان‌های پلیسی با جامعه. مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۰(۱): ۵۷-۶۴.

سال بعد (۱۳۲۳ق)، میراسمعیل (موسوی) عبدالله‌زاده جلد اول کتاب «شرلوک هولمز» را از منابع روسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۰۶ شمسی، محمدحسین میرزا جهانبانی مجموعه - ای با عنوان «شرلوک هولمز» به چاپ رساند (میرعابدینی، ۱۳۸۷:۱۳۳).

داستان‌های پلیسی را از منظر جامعه‌شناسی ادبیات^۱ می‌توان بررسی کرد. زیرا، ادبیات و جامعه با هم رابطه‌ای متقابل و متفاهم دارند (زرین‌کوب، ۱۳۶۹:۴۲). در واقع، برخلاف مکتب پارناس^۲ (هنر برای هنر) و معتقدان به آن که هنر و از جمله داستان را تنها از جنبه هنری و زیبایی بررسی می‌کنند و آن را فاقد سود دیگری می‌دانند، داستان (و به‌طور کلی هنر) دارای جنبه‌های اجتماعی است و تأثیر آن بر جامعه و متأثر شدن آن از مسائل اجتماعی روزگار خود را نمی‌توان نادیده گرفت (راوودراد، ۱۳۹۰:۷۴). در حقیقت، پژوهشگران این حوزه، ادبیات را نه از سر ذوق، بلکه به‌عنوان بخش بسیار مهمی از شعور اجتماعی و بازتاب درخور توجهی از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند (ترابی، ۱۳۸۳:۴).

درباره داستان پلیسی در دیگر مناطق جهان، به‌ویژه آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. در برخی از این پژوهش‌ها، تاریخچه این گونه ادبی مد نظر بوده و در برخی دیگر، با معرفی زیرشاخه‌های آن، یکی از خرده‌گونه‌های آن بررسی و تفسیر شده است؛ اما، در هیچ کدام از این پژوهش‌ها، داستان پلیسی از منظر جامعه‌شناسی ادبیات بررسی نشده است. برخی از این آثار در ادامه آمده است. تودوروف (۱۳۸۳) به بررسی گونه‌های مختلف داستان پلیسی پرداخته است، بوآلو و نارسزاک (۱۳۷۲) مطالب مفصلی درباره پیدایش رمان پلیسی، خصوصیات و شخصیت‌های این آثار نوشته‌اند. اسکاگز (۱۳۹۰) در مورد تاریخچه پیدایش و انواع گوناگون ادبیات جنایی، نظیر ادبیات معمایی، داستان پلیسی، داستان هیجانی و... بحث کرده است. از این دست موارد در آثار

داستان، یکی از مهم‌ترین قالب‌های ادبی در جهان امروز است که انواع متفاوتی دارد، همانند داستان پلیسی. داستان پلیسی داستانی درباره دزدی یا جنایت است و نویسنده در آن، عمل داستانی را بر جست‌وجوی پلیس برای یافتن دزد یا جنایتکار قرار می‌دهد. در واقع، داستان پلیسی، نوعی نوشتار خلاقانه ادبی است که تعریف آن ساده نیست. به‌طور کلی، می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «مبارزه خوبی با بدی، خیر با شر و پیروزی خوبی بر بدی» (میرصادقی، ۱۳۹۴:۳۵). زمانی یک داستان پلیسی خوانده می‌شود که جنایتی رخ دهد؛ احتمالاً این جنایت به‌وسیله یک یا چند شخص انجام گرفته باشد و سرآخر جنایت به‌وسیله کارآگاهی حرفه‌ای یا تازه‌کار کشف شود. (سامپسون، ۱۳۵۲:۱۷۶).

تعریف دیگری که از داستان پلیسی می‌توان ذکر کرد، خرده‌گونه‌ای از ادبیات جنایی که شیوه‌های واقعی و روند کار پلیسی را در تحقیق درباره جنایت‌ها برجسته می‌سازد. داستان پلیسی معمولاً گروهی از کارمندان پلیس را به‌تصویر می‌کشد که اغلب موارد متعددی از جنایت‌ها را در یک زمان دنبال می‌کنند. در این گونه روش‌های کار پلیسی نوین، مانند فناوری پزشکی قانونی، مصاحبه با مظنونین و جست‌وجو در آرشیوها مورد تأکید قرار می‌گیرد (اسکاگز، ۱۳۹۰:۲۱۱).

امروز، داستان پلیسی در سطح جهان گسترش بسیاری یافته است و در اغلب زبان‌های جهان می‌توان آثاری از این نوع را یافت. داستان پلیسی که در ادبیات جهان، بیش از ۱۸۰ سال سابقه دارد (هویدا، ۱۳۹۵:۲۹)، در ایران نخست در حدود دهه آخر سده سیزدهم شمسی و از طریق ترجمه مطرح شد. شاید بتوان داستان «پلیس لندن» اثر «گونان دوپلی» ترجمه عبدالحسین میرزا مؤیدالدوله از عربی (۱۳۲۲ق/۱۲۸۳ش) را نخستین داستان پلیسی ترجمه‌شده دانست.

1- Sociology of Literature

2- Parnass

پژوهشگران ایرانی نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه، میرصادقی (۱۳۹۴)، تاریخچه و خصوصیات داستان‌های پلیسی و عناصر ادبی در این گونه ادبی را بحث کرده است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر مقتضیات جامعه بر خلق و رواج داستان‌های پلیسی و کاربردهای این داستان‌ها در اجتماع است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «چه نسبتی میان داستان‌های پلیسی و جامعه برقرار است؟»

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر ماهیت داده‌ها جزو پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌رود. پژوهشگران با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مانند کتاب‌های تحقیقی و مقاله‌های معتبر درباره داستان‌های جنایی-پلیسی و مطالعه بسیاری از آثار پلیسی‌نویس‌هایی، مانند آگاتا کریستی، آرتور کانن دوئل، دشیل همت، قاسم هاشمی‌نژاد، کاوه میرعباسی و...، به شیوه توصیفی-تحلیلی کوشش می‌کنند که نسبت داستان‌های پلیسی و جامعه را از منظر بستر پیدایش این گونه داستان‌ها و کاربردهای آن‌ها در جامعه تبیین و تحلیل کنند.

یافته‌ها

بشر از دیرباز با قتل و جنایت آشنا بوده و در جوامع انسانی همواره جرم و جنایت رخ می‌داده است. از این منظر اشتباه نیست اگر گفته شود که بعضی عناصر پلیسی در برخی از آثار کلاسیک ادبی، نظیر *خانه غم‌زده*^۱ و *اسرار ادوین درود*^۲ اثر چارلز دیکنز^۳، *جنایت و مکافات*^۴ اثر فتودور داستایفسکی^۵ و... دیده می‌شود، اما بیشتر منتقدان و پژوهشگران، سال ۱۸۴۱ میلادی را نقطه آغاز «داستان پلیسی» و ادگار آلن پو^۶ را کاشف این نوع ادبی می‌دانند.

این گونه ادبی، به سرعت رشد کرد و گسترش یافت و در زمره محبوب‌ترین گونه‌های ادبی جهان قرار گرفت، تاجایی که بخش وسیعی از دنیای نشر را به تصاحب خود

درآورد. علی‌رغم پیشینه درخور توجه رگه‌ها و مایه‌های داستان پلیسی در جهان و فرهنگ‌های گوناگون، این گونه ادبی را باید محصول قرن نوزدهم و اقتضانات آن دانست. صنعتی شدن جهان، گسترش شهرها، ازدحام جمعیت، بی‌نظمی و ناامنی، تغییر الگوهای زندگی و... نیاز به پلیس و تشکیلات پلیسی را به دنبال داشت. تشکیل سازمان پلیس و پیشرفت و تغییر در شیوه‌های برخورد با مجرمان و کشف جرم، در پیدایش رمان پلیسی مؤثر بوده است. البته در طول تاریخ، جرم و جنایت وجود داشته است و همواره نگرهبانانی نیز برای حفظ قانون و برقراری نظم و آرامش و ایجاد امنیت بوده‌اند که گاه به آن‌ها «عسس، داروغه و...» می‌گفتند.

جرم و جنایت و پلیدی و شرارت و آدم‌های بیمار در جامعه‌های انسانی همیشه وجود داشته‌اند و دارند؛ کل زندگی بشر در تقابل با امور خدایی و شیطانی و خیر و شر گذشته و می‌گذرد. نیروهای اهورایی همواره در چالش و مبارزه با قدرت‌های اهریمنی‌اند و روشنی در جنگ با تاریکی و خوبی در جدال با بدی است. ازین‌رو، این چالش‌ها و مبارزه‌ها جنبه عام دارند، چه جدال تشکیلات حکومتی با گروه‌ها و دسته‌های بزه‌کار و جنایتکار، چه چالش‌ها و مبارزه‌های فردی یا جمعی و گروهی علیه رژیم‌های خودکامه و حکومت‌های فاسد و جبار (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۴ و ۱۵).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^۷ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های حوزه جامعه‌شناختی کج‌روی، منشأ کج‌روی را به ساخت اجتماعی و فرهنگ مربوط می‌سازد. برخی از دانشمندان به‌طور مستقیم تراکم، تحرک جمعیت و ناهمگونی فرهنگی را مؤثر بر بی‌سازمانی اجتماعی دانستند (مثل مکتب شیکاگو) و دیدگاه دیگر به جنبه طراحی شهری و نوع معماری توجه کرد و ویژگی فیزیکی و کالبدی شهر را تسهیل‌کننده بروز جرائم و ناامنی برشمرد.

پیچیدگی‌ها و دشواری‌های زندگی صنعتی و رواج انواع شرارت‌ها و بزه‌کاری‌ها، سبب به‌خطرافتادن نظم و امنیت

5- Fyodor Dostoyevsky
6- Edgar Allan Poe
7- Social disorganization Theory

1- Bleak House
2- The Mystery of Edwin Drood
3- Charles Dickens
4- Crime and Punishment

اگر در ادبیات پلیسی بخواهیم از زاویه جامعه‌شناسی و ایدئولوژیک مجموعه آثار «آگاتا کریستی» را بررسی کنیم، دقیقاً عقاید و باورهای طبقه محافظه‌کار انگلستان در نیمه اول قرن بیستم در آن مشهود است. متقابلاً از معاصران «آگاتا کریستی» نویسنده‌ای همچون «سیسیل دی لوئیس»^۴ که با نام مستعار «نیکلاس بلیک»^۵ می‌نوشت، با همان دیدگاه محافظه‌کارانه کریستی، دیدگاه چپ را وارد ادبیات پلیسی می‌کند (سامپسون، ۱۳۵۲: ۱۸۰).

داستان‌های پلیسی کم‌تر مورد توجه منتقدان جدی ادبیات قرار گرفته است؛ زیرا، آن‌ها عمدتاً این گونه را ذیل «داستان عامه‌پسند» قرار می‌دهند و به‌شکلی تحقیرآمیز از آن یاد می‌کنند. صفت «عامه‌پسند» که نشانگر تقسیم افراد جامعه به دو گروه «عوام و خواص» است، بیانگر وجه دیگری از ارتباط داستان‌های پلیسی با جامعه است.

اصطلاح «ادبیات عامه‌پسند» در ابتدا به داستان‌هایی اطلاق می‌شد که در مجلات با کیفیت پایین و کاغذ ارزان، در آمریکای نیمه نخست قرن بیستم چاپ می‌شدند. مجلات عامه‌پسند، انواع داستان‌های ماجراجویانه، عشقی، وسترن، علمی-تخیلی و البته کارآگاهی را منتشر می‌کردند. داستان‌های کارآگاهی از این جهت هم‌پسته مجلاتی مانند نقاب سیاه^۶ هستند که برخی نویسندگان این گونه، همچون دشیل همت و ریمنند چندلر، کار خود را با نوشتن در آن‌ها آغاز کردند (اسکاگز، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

امروز، تنها مردم عادی خواننده داستان‌های پلیسی نیستند و خوانندگان این داستان‌ها، طیف وسیعی از افراد و سلاقی و تخصص‌ها را شامل می‌شوند. البته، همچنان افرادی هستند که معتقدند این گونه، ارزش اعتنا و پژوهش ندارد. در واقع، آن‌ها با منحصر کردن ویژگی‌های داستان جنایی-پلیسی در خاصیت «سرگرم‌کنندگی»، توان تحلیل را از آن می‌گیرند. واقعیت این است که در طول تاریخ، درون-مایه‌های گوناگونی، اعم از مسائل روان‌شناسی، اجتماعی و... در داستان پلیسی راه یافته است؛

جامعه شد. از همین‌رو، برخی گونه ادبی پلیسی را جلوه‌ای از آرزوهای بشر برای مبارزه با پلیدی‌ها و توصیف امنیت مورد نیاز جامعه پیچیده قرن بیستم تفسیر می‌کنند. لوکاج در نقد آثار کانن دوویل^۱ خالق شخصیت شرلوک هولمز^۲ می‌نویسد: «گرایش به افراد نابهنجار و منحرف، ریشه‌های استواری در فلسفه امنیت داشت و دانایی بی‌کران آنانی را ستایش می‌کرد که سخت مراقب ثبات زندگی بورژوازی بودند» (لوکاج، ۱۳۴۹: ۳۴).

اثر ادبی بیش از هر چیز در سنت زبانی و ادبی جای می‌گیرد و سنت نیز به‌نوبه خود احاطه‌شده به وسیله فرهنگ عمومی است و با اوضاع عینی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارتباطش با واسطه‌تر است. البته، تمام قلمروهای فعالیت بشری با یکدیگر در ارتباطند (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۱۳). تحولات اجتماعی و سیاسی تأثیر آشکاری بر ادبیات پلیسی داشته است، برای مثال آشفتگی‌ها و خونریزی‌های دو جنگ جهانی سبب شده تا این گونه بیشتر به رئالیسم اجتماعی و باز نمود واقعیت‌های جامعه که کثیف و ناخوشایند است، تمایل بیابد. آفرینندگان راستین آثار فرهنگی، گروه‌های اجتماعی‌اند و نه اشخاص منفرد (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۱). بنابراین، محیط جغرافیایی خاص را که خود واجد ساختار اجتماعی و اقتصادی خاص، حکومت خاص اعتقادات مذهبی ویژه و آداب و رسوم و فرهنگ مخصوص است، باید در تحول اثر ادبی سهیم دانست.

از این منظر درباره داستان‌های پلیسی باید اظهار داشت با آن‌که اصل و منشأ آمریکایی و فرانسوی دارد، در انگلستان بیش از هر نقطه دیگر رونق گرفته و با اقبال روبه‌رو شده است. این مسأله البته تا حدی بستگی به روحیه این سه ملت دارد، اما بیشتر به علت وضع پلیس این کشورها، سازمان‌های پلیسی و واکنش مردم در مقابل پلیس است (سامپسون، ۱۳۵۲: ۱۷۹).

4- Nicholas Blake
5- Pulp Fiction
6- Black Mask

1- Arthur Conan Doyle
2- Sherlock Holmes
3- Cecil Day - Lewis

بنابراین، نباید داستان‌های جنایی-پلیسی را بی‌ارزش دانست و نادیده گرفت.

در ادامه، برخی از مهم‌ترین کاربردها و جنبه‌های داستان پلیسی که در این پژوهش به آن‌ها دست یافتیم آوزده شده است:

الف) داستان پلیسی، بر محوریت خیر و شر شکل می‌گیرد و زمینه‌ای اجتماعی دارد و با مطالعه آن می‌توان جوامع، فرهنگ‌ها، آرمان‌ها و جهان‌بینی‌های آن را شناخت.

ب) نکته دیگر این است که در رمان‌های پلیسی مضامین اخلاقی نیز دیده می‌شود و از طریق این آثار، می‌توان پیام‌هایی در این زمینه انتقال داد. از این منظر که در آن‌ها قاتل و جنایتکار به مجازات می‌رسد، سرشتی اخلاقی و آموزشی نهفته شده است. این داستان‌ها به شکل غیر مستقیم رفتار و کردار صحیح را آموزش و ترویج می‌دهند. تمایل به مجازات مجرم و جنایتکار امری اخلاقی است و در توجه مخاطبان به این داستان‌ها تأثیر دارد. تمایل به این‌که مجرم چه زمانی به سزای اعمال خود می‌رسد و کارآگاه و بازپرس چه زمانی پرده از جنایت برمی‌دارد و جنایتکار را دستگیر می‌کند و به قانون تحویل می‌دهد تا محاکمه و مجازات شود، به این داستان‌ها خاصیتی عبرت‌آموز داده است. هشدارهای حاصل از این داستان‌ها، روشی برای دفاع از نظم اجتماعی و امنیت شخصی در برابر خطر افزایش آمار جنایت تلقی می‌شود (اسکاگز، ۱۳۹۰: ۲۷).

پ) در داستان‌های جنایی-پلیسی، امکان بازآرایی نظم اجتماعی وجود دارد، زیرا در این داستان‌ها، جرم و جنایت بدون مجازات باقی نمی‌ماند. همچنین، وحشت و ترس ناشی از ناامنی و توطئه و قتل و جرم و جنایت، می‌تواند سبب تقویت ارزش‌های اجتماعی و عدالت شود.

ت) از منظر دیگری نیز می‌توان به داستان پلیسی نگریست. با توجه به تعلیق و کشمکش موجود در داستان‌های پلیسی، این‌گونه آثار همواره برای مخاطبان جذابیت داشته است.

ث) این نوع ادبی، نمونه درخشان «ادبیات سرگرم‌کننده و لذت‌بخش» است که در مشکلات و تنگناهای زندگی، حس و حال انسان را عوض می‌کند. داستان‌های پلیسی، ما را از ملالت اتفاقات روزمره دور می‌سازند و به جهانی سراسر هیجان، خاطره و رمز و راز سوق می‌دهند. بنابراین، داستان پلیسی از زاویه تأثیرات روانی آن نیز حائز اهمیت است، به‌ویژه در زمانی که انسان گرفتار است یا جامعه وضعیت خوبی ندارد.

ج) از دیگر کاربردهای داستان پلیسی که ریشه در ویژگی بارز آن‌ها، یعنی قدرت سرگرم‌کنندگی دارد، این است که ظرفیت خوبی برای ایجاد و تقویت عادت و میل به مطالعه در مردم است. همچنین، با استفاده از همین ظرفیت می‌توان به معرفی فرهنگ سرزمین خود و اصلاح نگاه مردم دیگر سرزمین‌ها در این باره پرداخت. همچنین، داستان پلیسی مانند هر نوع ادبی دیگر، محصول هنرآفرینی نویسنده با زبان و کلمات است؛ بنابراین، می‌توان گفت گنجینه زبان است و شناخت آن موجب شناخت زبان نیز خواهد شد. خواننده جدی آثار ادبی، دایره واژگان وسیع و پرباری دارد و توان او برای برقراری ارتباط بهتر و مؤثرتر و ارتباط اجتماعی بیشتر است.

ح) هنر به‌طور کلی در ارتباط با انسان شکل می‌گیرد و هیچ اثر هنری را در تحلیل نهایی نمی‌توان با حذف انسان و مشغله‌های او تفسیر کرد. برخی از منتقدان، داستان‌های پلیسی را نمایی از آرزوهای انسان می‌دانند؛ روایتی از مبارزه با مجرمان و سارقان، بی‌عدالتی و پلیدی‌ها.

خ) داستان‌های پلیسی، به‌صورتی گریزناپذیر احساسات بنیادین انسان را درگیر می‌سازد؛ احساساتی چون حسد، طمع، خشم، عشق، نفرت و ترس. احساساتی که ممکن است خطرناک به‌نظر برسند، به نیابت از سوی دیگران عینیت می‌یابند و خواننده به‌نوعی آن را تجربه می‌کند یا در تجربه شخصیت‌های داستان سهیم می‌شود. این داستان‌ها به مخاطب می‌آموزند که چگونه خود را کنترل کند و بر خود مسلط باشد.

البته، داستان‌های جنایی-پلیسی به اعتبار موضوعشان، یعنی جرم و جنایت، جدی هستند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش باید به موارد زیر اشاره کرد. گستردگی و وسعت مفهومی داستان پلیسی، پژوهش را برای پژوهشگر با پیچیدگی و سختی همراه می‌سازد، زیرا در طول تاریخ پژوهشگران از اصطلاحات و کلمه‌های گوناگون و گاه متفاوتی نظیر رمان جنایی، رمان کارآگاهی، رمان معمایی، رمان پلیسی، رمان سیاه، تریلر و ... برای توصیف و تبیین آن استفاده کرده‌اند. عامل دیگری که سبب دشواری پژوهش می‌شود، گستره جغرافیایی خلق داستان‌های جنایی-پلیسی است. یکی دیگر از عوامل دشواری پژوهش، سابقه اندک پژوهش علمی و مبتنی بر اصول نقد ادبی و به دور از جانب‌داری و پیش‌داوری در-زمینه ادبیات عامه‌پسند به‌طور کلی و داستان‌های جنایی و پلیسی به‌طور خاص است.

دراستای توجه به داستان‌های پلیسی، پیشنهاد‌های زیر طرح می‌شوند:

- پیشنهاد می‌شود که نویسندگان از راه‌های گوناگون و منابع مختلف بهره‌برند تا با قوانین پلیس و فرآیندهای اجرایی قانون در ایران آشنا شوند تا بتوانند داستانی بومی خلق کنند.

- همچنین پیشنهاد می‌گردد که نیروی انتظامی و به‌ویژه پلیس آگاهی، برخی از پرونده‌ها را با رعایت ضوابط خاص مربوط به طبقه‌بندی و محرمانگی، در اختیار نویسندگان حرفه‌ای قرار دهد تا آن‌ها متناسب با واقعیت زندگی و وضعیت جامعه، شخصیت‌های خود را خلق کنند و داستان بنویسند؛ موضوعی که سبب می‌شود شخصیت‌ها و داستان باورپذیر شده و خواننده با اشتیاق و بدون احساس غبن، داستان را بخوانند. این موضوعی است که فرماندهان فراجا نیز به آن توجه داشته‌اند.

د) موضوع دیگری که درباره داستان‌های پلیسی حائز اهمیت است، تأثیر آن‌ها بر پلیس و فرآیندها و شیوه‌های کار پلیس در کشف جرم است. سخن گفتن در این باره البته با حدس و گمان است، اما احتمالاً ترجمه‌های اولیه داستان‌های پلیسی غرب و سپس الگوبرداری برخی نویسندگان ایرانی از آن‌ها در آشنایی پلیس با شیوه‌های علمی کشف جرم بی‌تأثیر نبوده است. براساس موارد مذکور می‌توان اظهار داشت که درون-مایه داستان‌های پلیسی، اجتماعی است و حول محور «عدالت» می‌چرخند.

نتیجه‌گیری

از چند منظر اجتماعی به داستان‌های پلیسی می‌توان توجه کرد: ۱- میان داستان‌های پلیسی و مقوله «قانون» و «نظم و امنیت» ارتباط عمیقی وجود دارد و این داستان‌ها از این منظر اهمیت دارند که به انسان یادآور می‌شوند، زندگی صلح‌آمیز و امنیت اجتماعی در گرو حمایت از قانون و ضابطان آن است. نگارش و چاپ داستان‌های پلیسی و استفاده از شور و علاقه مخاطبان به این گونه، عاملی است که می‌تواند به پلیس در برقراری امنیت عمومی کمک کند، زیرا در خلال این داستان‌ها، مخاطب هم از قدرت پلیس و کارآگاهان و بازپرس‌های جنایی اطمینان می‌یابد و احساس امنیت می‌کند و هم آگاهی او از شگردها و شیوه‌های جرم و جنایت و راه‌های پرهیز از روبه‌رو شدن و قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی بیشتر می‌شود. ۲- از منظر پیوند داستان پلیسی با اخلاق، برخی معتقدند که از درون این داستان‌ها، مطالب و آموزه‌های اخلاقی بسیاری می‌توان بیرون کشید. در داستان‌های پلیسی، از آن‌جا که تبهکاران، سرانجام به سزای اعمال خود می‌رسند، خواننده مطمئن می‌شود که نظامی اخلاقی بر جهان داستان حاکم است و بین خیر و شر، تفاوت روشنی وجود دارد. ۳- زاویه و منظر دیگری که از دیرباز بسیاری از افراد از دریچه آن به داستان‌های پلیسی نگاه کرده‌اند، موضوع سرگرم‌کننده این داستان‌ها و ارتباطی است که با اشتیاق انسان به تفریح و سرگرمی دارد.

تقدیر و تشکر

به این وسیله، مراتب سپاس خود را به همه عزیزانی که در نگارش و تدوین این مقاله ما را یاری دادند، تقدیم می‌کنیم.

منابع

۱۰. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۷). نخستین رمان‌های پلیسی ایران، *مجله اندیشه و هنر*، ۱۰ (۱۳ و ۱۴)، ۱۳۲-۱۳۷.
<http://ensani.ir/fa/article/282104>
۱۱. میرصادقی، جمال. (۱۳۹۴). *داستان‌های پلیسی*. چاپ اول، تهران: سخن.
<https://www.gisoom.com/book/11141594>
۱۲. ولک، رنه و آوستین وارن. (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات*. ترجمه: ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.
<https://www.gisoom.com/book/1274421>
۱۳. هویدا، فریدون. (۱۳۹۵). *تاریخچه رمان پلیسی*. ترجمه مهستی بحرینی، تهران: نیلوفر.
<https://niloofarpublications.com/product/histoire-du-roman-policier/>
۱. اسکاگز، جان. (۱۳۹۰). *ادبیات جنایی*. ترجمه مؤسسه خط ممتد اندیشه زیر نظر حسین شیخ‌الاسلامی، چاپ اول، تهران: نشانه.
<https://www.gisoom.com/book/1751981>
۲. بوآلو، پی‌یر و توماس نارسژاک. (۱۳۷۲). *مرگ راجر آکاروید و نقد و بررسی رمان پلیسی*. ترجمه خسرو سمیعی، چاپ اول، تهران: قطره.
<https://www.gisoom.com/book/157193>
۳. ترابی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی*. چاپ چهارم، تبریز: فروزش.
<https://basalam.com/idebook/product/2019532>
۴. تودورف، تزوتان. (۱۳۸۳). *سنخ‌شناسی رمان پلیسی*. ترجمه انوشیروان گنجی موحد، *مجله زیباشناخت*، ۴ (۱۱)، ۲۸۳-۲۹۰.
<http://ensani.ir/fa/article/4084>
۵. راودراد، اعظم. (۱۳۹۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
<https://www.gisoom.com/book/11141395/>
۶. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *نقد ادبی*. جلد اول، تهران: امیرکبیر.
<https://farhangoadabeirani.blogspot.com/1394/09/01/post-106>
۷. سامپسون، آراچ. (۱۳۵۲). *تکنیک رمان پلیسی*، مترجم: کامران فانی، *مجله الفبا*، ۱ (۲)، ۱۸۰-۱۷۶.
<https://elmnet.ir/Article/1854150-21981/>
۸. گلدمن، لوسین. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)*، ترجمه محمد پوینده، چاپ اول، تهران: چشمه.
<https://ketab.ir/book/e3c81b8c-0ef6-47fb-b2e4-e0c7327cf9b6>
۹. لوکاج، جورج. (۱۳۴۹). *معنای رئالیسم معاصر*. ترجمه فریبرز سعادت، چاپ اول، تهران: نیل.
<http://www.lib.ir/book/64087158/>